

عنوان مقاله:

سیر تحولات شکل گیری بانکداری مرکزی و مزایا و معایب استقلال بانکداری مرکزی با رویکرد حکمرانی مطلوب

محل انتشار:

هشتمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسنده:

احمد کبیری - دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبایی

خلاصه مقاله:

بانک مرکزی به عنوان سازمانی مسئول به عنوان سیاستگذار پولی یک کشور محسوب می شود و توانایی ایجاد پایداری در بازار ارز، نرخ بهره، و سایر نشانگرهای اقتصادی را داراست. استقلال بانک مرکزی در تعیین و اجرای سیاست های پولی، بهبود کارایی و اعتماد عمومی به عملکرد بانک مرکزی کمک میکند. در گذشته، بسیاری از بانکهای مرکزی به عنوان یک قسمت از دولت به فعالیت خود ادامه میدادند و بخشی از سیاست های پولی آنها به دستورات دولتی اجرا میشد. اما در دهه های اخیر، با افزایش شناخت و آگاهی بیشتر درباره نقش بانک مرکزی و اهمیت استقلال آن، بسیاری از کشورها اقدام به تغییراتی در ساختار بانک مرکزی خود کردند. یکی از نخستین کشورهایی که استقلال بانک مرکزی را به دست آورد، ایالات متحده آمریکا بود. در سال ۱۹۱۳، قانون فدرال رزرو برای تشکیل بانک مرکزی آمریکا تصویب شد که بانک مرکزی را از دستورات دولتی جدا کرد و اجازه داد تا به صورت مستقل سیاست های پولی خود را تعیین کند. سایر کشورها نیز پس از آمریکا، در دهه های بعدی به تحولات مشابهی دست یافتند. برای مثال، پس از جنگ جهانی دوم، بانک انگلستان نیز استقلال خود را از دولت به دست آورد. در این بین، در کشورهایی مانند آلمان، فرانسه و ژاپن نیز بانکهای مرکزی مستقل از دولت شدند. استقلال بانک مرکزی به طور کلی می تواند به دو شکل صورت گیرد: استقلال عملیاتی و استقلال سیاسی. استقلال عملیاتی به معنای این است که بانک مرکزی باید به صورت مستقل تصمیم گیری کند و هیچ تداخلی از سوی دولت در عملیات آن نباید وجود داشته باشد. در حالی که استقلال سیاسی به معنای این است که بانک مرکزی باید از دستورات دولتی مستقل باشد و نتواند برای تحقق اهداف سیاسی دولت، سیاست های پولی خود را تغییر دهد.

کلمات کلیدی:

تاریخچه بانکداری مرکزی، مزایا و معایب استقلال بانک مرکزی، حکمرانی مطلوب

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1694344>

